

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

مرحوم محقق اصفهانی (ره) در مورد حقیقت انشاء فرمود: حقیقت انشاء یعنی معنا به سبب لفظ، وجود جعلی عرضی تنزیلی پیدا نماید؛ یعنی وجود بالذات مربوط به لفظ است و انشاء، ایجاد معنا به وجود جعلی عرضی تنزیلی می‌باشد.

در ادامه فرمود: مراد نفس الامر در کلام مرحوم آخوند (ره) یعنی نفس و ذات الشیء. برای این‌که میان لفظ و معنا علقه وضعی شدیدی وجود دارد و گویا از ذات لفظ، معنا تولید می‌شود.

ادامه بیان اشکال و جواب در کلام مرحوم اصفهانی(ره)

اشکال دوم: طبق بیان شما تفاوتی میان خبر و انشاء باقی نخواهد ماند برای این‌که در خبر نیز لفظ و معنای عرضی تنزیلی وجود دارد.

به عبارت دیگر مستشکل می‌گوید: معنا و تفسیری که برای حقیقت انشاء بیان نمودید، در باب خبر نیز جریان دارد و از این حیث فرقی بین آن‌ها وجود نخواهد داشت.

مرحوم اصفهانی (ره) در جواب می‌فرماید: هر چند این بیان در باب خبر نیز جریان دارد؛ یعنی در خبر هم معنا، وجود تنزیلی برای لفظ است، اما تفاوت خبر و انشاء در این است که در خبر متکلم قصد حکایت از ثبوت یا عدم ثبوت نسبت را دارد. اما در باب انشاء تنزیل و وجود جعلی بدون قصد حکایت است.

اشکال سوم: تعریف شما برای انشاء قابل انطباق بر مفردات نیز است؛ به این بیان که اگر شخصی مثلاً لفظ «انسان» را بگوید این لفظ نیز باید انشاء باشد، برای این‌که با لفظ، معنا بالعرض و تنزیلاً موجود می‌شود.

مرحوم اصفهانی (ره) در پاسخ می‌فرماید: جملات انشائی به دو قسم هستند: الف- یصح السکوت علیه ب- لایصح السکوت علیه. مفردات نیز از قبیل انشاء هستند اما از انشائیات قسم دوم هستند یعنی اگر شخصی بگوید «انسان»، گفته می‌شود این شخص انشاء نموده است اما انشائی که لایصح السکوت علیه. اما انشائیات قسم اول مانند «إضرِب» یا بعت انشائی یصح السکوت علیه هستند.

مرحوم اصفهانی (ره) در ادامه به دو مطلب در کلام مرحوم آخوند (ره) اشاره نموده و هر دو را مورد مناقشه قرار می‌دهند:

مطلب اول: مرحوم آخوند (ره) پس از بیان حقیقت انشاء را فرمود: تفاوت میان خبر و انشاء، از قبیل کان ناقصه و کان تامه است؛ به این بیان که انشاء ایجاد الشیء و خبر ثبوت یک شیء برای شیء دیگر است.

مرحوم اصفهانی (ره) می‌فرماید: این مطلب صحیح نیست برای این‌که تقابل میان خبر انشاء یا از قبیل ملکه و عدم ملکه و یا از قبیل سلب و ایجاب است.

توضیح مطلب این‌که جملات بر دو نوع هستند: الف- جملاتی که مشترک میان خبر و انشاء می‌باشند: مثلاً «بعت» قابلیت و صلاحیت برای خبر و انشاء بودن را، دارد پس ملکه خبری بودن را دارا می‌باشد. طبق این صورت اگر «بعت» انشائی شد، معلوم می‌شود متلکم چون قصد حکایت نداشته است، انشاء محقق شده و عدم ملکه در آن محقق شده است.

ب- جملاتی که ممحض در انشائیت هستند: مثلاً تفاوت «إضرب» با «ضربت» در این است که در «إضرب» اصلاً قابلیت حکایت وجود ندارد که طرف سلب وجود دارد. اما در «ضربت» چنین قابلیت وجود دارد که طرف ایجاب است.

مطلب دوم: مرحوم آخوند (ره) فرمود: انشاء ایجاد چیزی است که قبلاً موجود نبود و اکنون با این لفظ موجود می‌شود. اما خبر إخبار از چیزی است که سابق موجود بوده است، یا الان موجود شده است و یا قرار است در آینده موجود شود.

مرحوم اصفهانی (ره) می‌فرماید: این مطلب نیز صحیح نیست؛ برای این‌که هم انشاء و هم خبر در ایجاد معنی به سبب لفظ مشترک هستند؛ یعنی هر دو ایجاد ما لم یکن می‌باشند و در هر دو به سبب لفظ معنائی موجود می‌شود.

تنها تفاوت بین خبر و انشاء در قصد حکایت و عدم قصد حکایت است؛ یعنی اگر با این لفظ قصد حکایت شود خبر و اگر قصد حکایت نشود انشاء است.

بررسی کلام مرحوم اصفهانی(ره)

نسبت به کلام مرحوم محقق اصفهانی(ره) چند اشکال به ذهن می‌رسد:

اشکال اول: مرحوم محقق اصفهانی (ره) کلام مرحوم آخوند (ره) را بر معنایی که ابداع نمودند حمل کردند؛ در حالی‌که این معنا با ظاهر و بلکه صریح کلام مرحوم آخوند (ره) مخالف است.

توضیح مطلب این‌که مرحوم آخوند (ره) فرمود: قسم پنجمی از وجود به نام وجود انشائی داریم که در نفس الامر وجود دارد. این وجود هر چند وجود ذهنی یا خارجی نیست اما اعتبار و انشائی است حظی از واقعیت دارد. لذا تمام تلاش مرحوم آخوند (ره) این بود که بگوید وجود انشائی یک وجود اعتباری محض که به مجرد فرض فارض موجود شود نیست.

در مقابل مرحوم اصفهانی (ره) با این پیش‌فرض که در وجود بالذات لازم است مطابق داشته باشیم وارد بحث شد، لذا فرمود: وجود بالذات منحصر در وجود خارجی و وجود ذهنی است.

اشکال ما به مرحوم اصفهانی (ره) این است که مرحوم آخوند (ره) می‌فرماید: وجود انشائی حظی از واقعیت دارد و فراتر از فرض فارض است، اما لازمه آن این نیست که حتما مطابق نیز داشته باشد.

علاوه بر این که «فی نفس الامر» را به «فی نفس الشیء و اللفظ» معنا نمائیم نیز صحیح نیست و در فلسفه معنای مشهور «فی نفس الامر» ظرفی اوسع از خارج و ذهن می‌باشد که اعتباریات و واقعیات را نیز در بر می‌گیرد. ظاهر عبارت مرحوم آخوند (ره) این است که با لفظ، وجود انشائی موجود شده و بالذات به آن اسناد داده می‌شود.

به بیان دیگر هر چند مرحوم آخوند (ره) می‌فرماید: اسناد وجود به این انشاء حقیقی است، اما هر چه که اسناد به آن حقیقی است باید مطابق داشته باشد؛ کما این که اسناد وجود به امر اعتباری حقیقی است اما مطابق ندارد.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ